# **فهرست مطالب**

[**خطبه اول** 2](#_Toc428481628)

[**مختصری از زندگانی‌ حضرت امام صادق (ع)** 2](#_Toc428481629)

[عصر امام صادق (ع) 3](#_Toc428481630)

[جنبش علمی امام صادق (ع) 5](#_Toc428481631)

[خلق‌وخوی امام صادق (ع) 7](#_Toc428481632)

[خطبه دوم 7](#_Toc428481633)

[روز امور تربیتی 8](#_Toc428481634)

[نقش نهاد امور تربیتی 9](#_Toc428481635)

[تأسیس نهاد تربیتی 9](#_Toc428481636)

[نقش امور تربیتی بعد از دفاع مقدس 10](#_Toc428481637)

[هفته احسان و نیکوکاری 12](#_Toc428481638)

[مناسبت 11 اسفندماه 12](#_Toc428481639)

[دعا 13](#_Toc428481640)

# **خطبه اول**

اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّه[[1]](#footnote-1)؛ ثم الصلاة و السلام علی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا أَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلی آله الأطیَّبینَ الأطهَرین لاسیُّما بقیة‌اللّه فی الارضین.**

اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم **«یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِیرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»[[2]](#footnote-2) عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

# **مختصری از زندگانی حضرت امام صادق (ع)**

**حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام رئیس مذهب جعفری (شیعه) در روز 17 ربیع‌الاول سال 83 هجری چشم به جهان گشود پدرش** امام محمدباقر (ع) و مادرش "ام فروه" دختر قاسم بن محمد بن ابی بکر می‌باشد.

کنیه آن حضرت ابوعبدالله و لقبش صادق است. حضرت صادق تا سن 12 سالگی معاصر جد گرامی‌اش حضرت سجاد بود و مسلماً تربیت اولیه او تحت نظر آن بزرگوار صورت گرفته و امام (ع) از خرمن دانش جدش خوشه‌چینی کرده است. پس از رحلت امام چهارم مدت 19 سال نیز در خدمت پدر بزرگوارش امام محمدباقر (ع) زندگی کرد و با این ترتیب 31 سال از دوران عمر خود را در خدمت جد و پدر بزرگوار خود که هر یک از آنان در زمان خویش حجت خدا بودند، و از مبدأ فیض کسب نور می‌نمودند گذرانید.
بنابراین صرف‌نظر از جنبه الهی و افاضات رحمانی که هر امامی آن را دارد می‌باشد، بهره‌مندی از محضر پدر و جد بزرگوارش موجب شد که آن حضرت بااستعداد ذاتی و شم علمی و ذکاوت بسیار، به حد کمال علم و ادب رسید و در عصر خود بزرگ‌ترین قهرمان علم و دانش گردید.

**پس از درگذشت پدر بزرگوارش 34 سال نیز دوره امامت او بود که در این مدت مکتب جعفری را پایه‌ریزی فرمود و موجب بازسازی و زنده نگه‌داشتن شریعت محمدی (ص) گردید.**

زندگی پربار امام جعفر صادق (ع) مصادف بود با خلافت پنج نفر از بنی‌امیه (هشام بن عبدالملک - ولید بن یزید - یزید بن ولید ابراهیم بن ولید، مروان حمار) که هر یک به نحوی موجب تألم و تأثر و کدورت روح بلند امام معصوم (ع) را فراهم می‌کرده‌اند، و دو نفر از خلفای عباسی (سفاح و منصور) نیز در زمان امام (ع) مسند خلافت را تصاحب کردند و نشان دادند که در بیداد و ستم بر امویان پیشی گرفته‌اند، چنانکه امام صادق (ع) در 10 سال آخر عمر شریفش در ناامنی و ناراحتی بیشتری بسر می‌برد.

# عصر امام صادق (ع)

عصر امام صادق (ع) یکی از طوفانی‌ترین ادوار تاریخ اسلام است که از یک‌سو اغتشاش‌ها و انقلاب‌های پیاپی گروه‌های مختلف، به‌ویژه از طرف خونخواهان امام حسین (ع) رخ می‌داد، که انقلاب ابو سلمه در کوفه و ابومسلم در خراسان و ایران از مهم‌ترین آن‌ها بوده است.

و همین انقلاب سرانجام حکومت شوم بنی‌امیه را برانداخت و مردم را از یوغ ستم و بیدادشان رها ساخت. لیکن سرانجام بنی‌عباس با تردستی و توطئه، به‌ناحق از انقلاب بهره گرفته و حکومت و خلافت را تصاحب کردند. دوره انتقال حکومت هزارماهه بنی‌امیه به بنی‌عباس طوفانی‌ترین و پرهرج‌ومرج‌ترین دورانی بود که زندگی امام صادق (ع) را فراگرفته بود. و از دیگر سو عصر آن حضرت، عصر برخورد مکتب‌ها و ایدئولوژی‌ها و عصر تضاد افکار فلسفی و کلامی مختلف بود، که از برخورد ملت‌های اسلام با مردم کشورهای فتح‌شده و نیز روابط مراکز اسلامی با دنیای خارج، به وجود آمده و در مسلمانان نیز شور و هیجانی برای فهمیدن و پژوهش پدید آورده بود.

عصری که کوچک‌ترین کم‌کاری یا عدم بیداری و تحرک پاسدار راستین اسلام، یعنی امام (ع)، موجب نابودی دین و پوسیدگی تعلیمات حیات‌بخش اسلام، هم از درون و هم از بیرون می‌شد. اینجا بود که امام (ع) دشواری فراوان در پیش و مسؤولیت عظیم بر دوش داشت. پیشوای ششم درگیر و دار چنین بحرانی می‌بایست از یک‌سو به فکر نجات افکار توده مسلمان از الحاد و بی‌دینی و کفر و نیز مانع انحراف اصول و معارف اسلامی از مسیر راستین باشد، و از توجیهات غلط و وارونه دستورات دین به‌وسیله خلفای وقت جلوگیری کند.

علاوه بر این، با نقشه‌ای دقیق و ماهرانه، شیعه را از اضمحلال و نابودی برهاند، شیعه‌ای که در خفقان و شکنجه حکومت پیشین، آخرین رمق‌ها را می‌گذراند، و آخرین نفرات خویش را قربانی می‌داد، و رجال و مردان باارزش شیعه یا مخفی بودند، و یا در کروفر و زرق‌وبرق حکومت غاصب ستمگر ذوب‌شده بودند، و جرأت ابراز شخصیت نداشتند، حکومت جدید هم در کشتار و بی‌عدالتی دست‌کمی از آن‌ها نداشت و وضع به حدی خفقان‌آور و ناگوار و خطرناک بود که همگی یاران امام (ع) را در معرض خطر مرگ قرار می‌داد، چنانکه زبده‌هایشان جزو لیست سیاه مرگ بودند.

جابر جعفی یکی از یاران ویژه امام است که از طرف آن حضرت برای انجام دادن امری به‌سوی کوفه می‌رفت. در بین راه قاصد تیزپای امام به او رسید و گفت: امام (ع) می‌گوید: خودت را به دیوانگی بزن، همین دستور او را از مرگ نجات داد و حاکم کوفه که فرمان محرمانه ترور را از طرف خلیفه داشت از قتلش به خاطر دیوانگی منصرف شد. جابر جعفی که از اصحاب سر امام باقر (ع) نیز می‌باشد می‌گوید: امام باقر (ع) هفتاد هزار بیت حدیث به من آموخت که به کسی نگفتم و نخواهم گفت. او روزی به حضرت عرض کرد مطالبی از اسرار به من گفته‌ای که سینه‌ام تاب تحمل آن را ندارد و محرمی ندارم تا به او بگویم و نزدیک است دیوانه شوم.

آری، شیعه می‌رفت که نابود شود، یعنی اسلام راستین به رنگ خلفا درآید، و به‌صورت اسلام بنی‌امیه‎ای یا بنی‌عباسی خودنمایی کند.

**در چنین شرایط دشواری، امام دامن همت به کمر زد و به احیا و بازسازی معارف اسلامی پرداخت و مکتب علمی عظیمی به وجود آورد که محصول و بازده آن، چهار هزار شاگرد متخصص (همانند هشام، محمد بن مسلم و ...) در رشته‌های گوناگون علوم بودند، و اینان در سراسر کشور پهناور اسلامی آن روز پخش شدند.**

هر یک از اینان از طرفی خود، بازگوکننده منطق امام که همان منطق اسلام است و پاسدار میراث دینی و علمی و نگه‌دارنده تشیع راستین بودند، و از طرف دیگر مدافع و مانع نفوذ افکار ضد اسلامی و ویرانگر در میان مسلمانان نیز بودند. تأسیس چنین مکتب فکری و این نوسازی و احیاگری تعلیمات اسلامی، سبب شد که امام صادق (ع) به‌عنوان رئیس مذهب جعفری (تشیع) مشهور گردد.

لیکن طولی نکشید که بنی‌عباس پس از تحکیم پایه‌های حکومت و نفوذ خود، همان شیوه ستم و فشار بنی‌امیه را پیش گرفتند و حتی از آنان هم گوی سبقت را ربودند. امام صادق (ع) که همواره مبارزی نستوه و خستگی‌ناپذیر و انقلابی بنیادی در میدان فکر و عمل بوده، کاری که امام حسین (ع) به‌صورت قیام خونین انجام داد، وی قیام خود را در لباس تدریس و تأسیس مکتب و انسان‌سازی انجام داد و جهادی راستین کرد.

# جنبش علمی امام صادق (ع)

اختلافات سیاسی بین امویان و عباسیان و تقسیم شدن اسلام به فرقه‌های مختلف و ظهور عقاید مادی و نفوذ فلسفه یونان در کشورهای اسلامی، موجب پیدایش یک نهضت علمی گردید. نهضتی که پایه‌های آن بر حقایق مسلم استوار بود.

چنین نهضتی لازم بود، تا هم حقایق دینی را از میان خرافات و موهومات و احادیث جعلی بیرون کشد و هم در برابر زندیق‌ها و مادی‌ها با نیروی منطق و قدرت استدلال مقاومت کند و آرای سست آن‌ها را محکوم سازد. گفتگوهای علمی و مناظرات آن حضرت با افراد دهری و مادی مانند ابن ابی العوجاء و ابو شاکر دیصانی و حتی ابن مقفع معروف است. به وجود آمدن چنین نهضت علمی در محیط آشفته و تاریک آن عصر، کار هرکسی نبود، فقط کسی شایسته این مقام بزرگ بود که مأموریت الهی داشته باشد و از جانب خداوند پشتیبانی شود، تا بتواند به نیروی الهام و پاکی نفس و تقوا وجود خود را به مبدأ غیب ارتباط دهد، حقایق علمی را از دریای بیکران علم الهی به دست آورد، و در دسترس استفاده گوهرشناسان حقیقت قرار دهد.

تنها وجود گرامی حضرت صادق (ع) می‌توانست چنین مقامی داشته باشد، تنها امام صادق (ع) بود که با کناره‌گیری از سیاست و جنجال‌های سیاسی از آغاز امامت در نشر معارف اسلام و گسترش قوانین و احادیث راستین دین مبین و تبلیغ احکام و تعلیم و تربیت مسلمانان کمر همت بر میان بست.

زمان امام صادق (ع) در حقیقت عصر طلایی دانش و ترویج احکام و تربیت شاگردانی بود که هر یک مشعل نورانی علم را به گوشه و کنار بردند و در خودشناسی و خداشناسی مانند استاد بزرگ و امام بزرگوار خود در هدایت مردم کوشیدند.

در همین دوران درخشان در برابر فلسفه یونان کلام و حکمت اسلامی رشد کرد و فلاسفه و حکمای بزرگی در اسلام پرورش یافتند. همزمان با نهضت علمی و پیشرفت دانش به‌وسیله حضرت صادق (ع) در مدینه، منصور خلیفه عباسی که از راه کینه و حسد، به فکر ایجاد مکتب دیگری افتاد که هم بتواند در برابر مکتب جعفری استقلال علمی داشته باشد و هم مردم را سرگرم نماید و از خوشه‌چینی از محضر امام (ع) بازدارد.

بدین‌جهت منصور مدرسه‌ای در محله کرخ بغداد تأسیس نمود. منصور در این مدرسه از وجود ابوحنیفه در مسائل فقهی استفاده نمود و کتب علمی و فلسفی را هم دستور داد از هند و یونان آوردند و ترجمه نمودند، و نیز مالک را که رئیس فرقه مالکی است بر مسند فقه نشاند، ولی این مکتب‌ها نتوانستند وظیفه ارشاد خود را چنانکه باید انجام دهند. امام صادق (ع) مسائل فقهی و علمی و کلامی را که پراکنده بود، به‌صورت منظم درآورد، و در هر رشته از علوم و فنون شاگردان زیادی تربیت فرمود که باعث گسترش معارف اسلامی در جهان گردید. دانش‌گستری امام (ع) در رشته‌های مختلف فقه، فلسفه و کلام، علوم طبیعی و ... آغاز شد.

فقه جعفری همان فقه محمدی یا دستورهای دینی است که از سوی خدا به پیغمبر بزرگوارش از طریق قرآن و وحی رسیده است.
برخلاف سایر فرقه‌ها که بر مبنای عقیده و رأی و نظر خود مطالبی را کم یا زیاد می‌کردند، فقه جعفری توضیح و بیان همان اصول و فروعی بود که در مکتب اسلام از آغاز مطرح بوده است.

**ابوحنیفه رئیس فرقه حنفی درباره امام صادق (ع) گفت:** من فقیه‌تر از جعفرالصادق کسی را ندیده‌ام و نمی‌شناسم. فتوای بزرگ‌ترین فقیه جهان تسنن شیخ محمد شلتوت رئیس دانشگاه الازهر مصر که باکمال صراحت عمل به فقه جعفری را مانند مذاهب دیگر اهل سنت جایز دانست در روزگار ما خود اعترافی است بر استواری فقه جعفری و حتی برتری آن بر مذاهب دیگر. و این‌ها نتیجه کار و عمل آن روز امام صادق (ع) است.

در رشته فلسفه و حکمت حضرت صادق (ع) همیشه با اصحاب و حتی کسانی که از دین و اعتقاد به خدا دور بودند مناظراتی داشته است. نمونه‌ای از بیانات امام (ع) که در اثبات وجود خداوند حکیم است، به یکی از شاگردان و اصحاب خود به نام مفضل بن عمر فرمود که در کتابی به نام توحید مفضل هم‌اکنون در دست است.

مناظرات امام صادق (ع) با طبیب هندی که موضوع کتاب اهلیلجه است نیز نکات حکمت‌آموز بسیاری دارد که گوشه‌ای از دریای بیکران علم امام صادق (ع) است. برای شناسایی استاد معمولاً دو راه، یکی شناختن آثار و کلمات او، دوم شناختن شاگردان و تربیت‌شدگان مکتبش در پیشرو داریم.

# خلق‌وخوی امام صادق (ع)

 حضرت صادق (ع) مانند پدران بزرگوار خود در کلیه صفات نیکو و سجایای اخلاقی سرآمد روزگار بود. حضرت صادق (ع) دارای قلبی روشن به نور الهی و در احسان و انفاق به نیازمندان مانند اجداد خود بود. دارای حکمت و علم وسیع و نفوذ کلام و قدرت بیان بود.

باکمال تواضع و درعین‌حال با نهایت مناعت طبع کارهای خود را شخصاً انجام می‌داد، و در برابر آفتاب سوزان حجاز بیل به دست گرفته، در مزرعه خود کشاورزی می‌کرد و می‌فرمود: اگر در این حال پروردگار خود را ملاقات کنم خوشوقت خواهم بود، زیرابه کد یمین و عرق جبین آذوقه و معیشت خود و خانواده‌ام را تأمین می‌نمایم. ابن خاکان می‌نویسد: امام صادق (ع) یکی از ائمه دوازده‌گانه مذهب امامیه و از سادات اهل‌بیت رسالت است.

ازاین‌جهت به وی صادق می‌گفتند که هر چه می‌گفت راست و درست بود و فضیلت او مشهورتر از آن است که گفته شود. مالک می‌گوید: با حضرت صادق (ع) سفری به حج رفتم، چون شترش به محل احرام رسید، امام صادق (ع) حالش تغییر کرد، نزدیک بود از مرکب بیفتد و هر چه می‌خواست لبیک بگوید، صدا در گلویش گیر می‌کرد. به او گفتم: ای پسر پیغمبر، ناچار باید بگویی لبیک، در جوابم فرمود: چگونه جسارت کنم و بگویم لبیک، می‌ترسم خداوند در جوابم بگوید: لا لبیک ولا سعدیک.

**«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ إِنَّا أَعْطَینَاک الْکوْثَرَ فَصَلِّ لِرَبِّک وَانْحَرْ إِنَّ شَانِئَک هُوَ الْأَبْتَرُ»[[3]](#footnote-3)**

# خطبه دوم

اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم، **نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا العبد المؤید و الرسول المسدد المصطفی الأمجد ابی‌القاسم محمد (ص) و علی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و علی صدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة و علی ائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الخلف القائم المنتظر (عج)، حججک علی عبادک و أمنائک فی بلادک، ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمان و سلالة النبیین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین .** اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم **«یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَکونُوا مَعَ الصَّادِقِینَ»[[4]](#footnote-4) عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

# روز امور تربیتی

هشتم اسفندماه برای دست‌اندرکاران آموزش‌وپرورش روزی نوستالژیک و سرشار از یادگاری‌های گران‌بها از شهیدان و بهار پربار قدرشناسی و معنویت افزایی در درون دستگاه تعلیم و تربیت است.

روز محبت و مهربانی، همان کلیدهای موفقیت و پویایی اندیشه در امر تربیت است؛ روز به ثمر نشستن تلاش صادقانه و پر از اخلاص توأم با نگاه آسمانی شهیدان عزیز رجایی و باهنر است که از درون این نگاه خدامحور در روزهای نخست انقلاب نهادی ارزشمند به نام امور تربیتی متولد شد و سربازان انقلاب اسلامی سفیر پیام انقلاب در مدرسه شدند و آموزه‌های دینی را برای ارتقای اخلاقی و سالم‌سازی اجتماعی و نیز گسترش نگاه انسان‌مدارانه در روش‌های تربیتی بکار گرفتند تا از روی نیمکت‌های مدارس افرادی پاک و مهذب و بصیر به تحولات جامعه و تبعیت پذیر از فرمان الهی به درون جامعه وارد شوند و مدیریت فردا را بر عهده بگیرند.

# نقش نهاد امور تربیتی

 نقش و تأثیر نهاد امور تربیتی در درون نظام آموزش‌وپرورش برای رساندن مفاهیم دینی، دفاع از ارزش‌ها، پاسداری از انقلاب و واردکردن خردمندانه دانش‌آموزان به عرصه‌های متعدد فعالیت با ارائه الگویی شایسته و سازمان‌دهی منظم و متشکل در پروسه انقلاب غیرقابل‌انکار است.

 این نهاد همچنین توانست با استعدادیابی منطقی و پیوند با مساجد و مراکز دینی و شخصیت‌های مذهبی، خلأ تشکل‌های سیاسی دینی در مدارس را به‌درستی پر کند و در ترویج اندیشه ولایی، مصونیت اخلاقی و نیز همراه نمودن اقشار با حرکت و مسیر انقلاب به‌سوی تعالی کارهای خوبی انجام دهد و رسالت اجتماعی خویش را در این راستا به نحو شایسته‌ای ایفا کند.

 تربیت‌یافتگان این نهاد پویا با به‌کارگیری قابلیت‌ها توانستند در آزمون‌های بزرگ کارهای بزرگ را انجام دهند که از جمله این عرصه‌های سخت و دشوار، عرصه پرشکوه دفاع مقدس بود که یادآور صحنه‌های بی‌بدیل صفوف متشکل دانش‌آموزان هنگام عزیمت به جبهه‌ها با پیشانی‌بندهای رنگارنگ و زمزمه‌های دعا، ذکر، تلاوت و حماسه‌های برجا مانده و دل نوشته‌هایی سرشار از عرفان و معرفت است.

#  تأسیس نهاد تربیتی

تأسیس این نهاد، هوشمندی شهدای عزیز رجایی و باهنر را در ضرورت پی‌ریزی امور تربیتی نشان داد. لبخندهای زیبا، ماندگار و حاکی از رضایت امام عزیز (ره) که بر بازوان رزمندگان بوسه زد و آنچه امروز باافتخار اوراق تاریخ این دیار را مزین و مرصع نموده است و عصر معاصر به آن می‌بالد و همه جهان را به اقتدار جمهوری اسلامی معترف و مبهوت نموده است، از مسیر صحیحی بود که با اتخاذ تربیت دینی در مدارس حاصل گشت.

 مرور خاطرات، وصیت‌نامه‌های عرفانی، متون زیبای ادبی، شوق وصال و بریدن از خویش، تمسک به اهل‌بیت، شور دعا و زمزمه قرآن و ظهور بسیج به‌عنوان یک پدیده بزرگ انسان‌سازی و ایثار و معرفت، همه مولود صداقت، اخلاص و اعتقادی متوکلانه و ولایتمدارانه بود که در شکل‌گیری نهاد امور تربیتی وجود داشت و اعضای آن نهاد، باور متقن داشتند و قبل از هرکس خود عامل به احکام بودند.

 مربیان این نهاد، الگوی مجسمی بودند که با رفتار خویش توانستند مهربانی، رفاقت، ایثار، همدلی و بسیاری از واژه‌های ارزشمند رایج را معنا بخشند و با هنرمندی به نوجوانان انتقال دهند و با این انتقال، تندیس‌هایی را به پهنه همه تاریخ در میدان‌ها شهر بنا کنند و چه بسیار دیدیم و شنیدیم از مربیانی که قبل از دانش‌آموزان خود به‌سوی ملکوت اعلی پر گشودند و شربت شهادت نوشیدند و این راه را و معبر فیض و رستگاری را برای دیگران گشودند. پیش‌قراول آنان شهدای عزیز مؤسس امور تربیتی، رجایی و باهنر بودند که در آتش خشم نفاق سوختند و باهم به‌سوی رب اعلی پرواز کردند.

 امور تربیتی با سازمان‌دهی دانش‌آموزان در گروه‌های امداد و نجات و کمک‌رسانی به آسیب‌دیدگان ناشی از حوادث و بلایای طبیعی و گسترش آموزش‌های امداد علاوه بر تکیه و ترویج نگاه انسان دوستانه، از هدر رفتن بخشی از منابع انسانی و ظرفیت‌های اجتماعی جامعه ممانعت کرد و نسلی مجهز به دانسته‌های علمی و معتقد به باورهای دینی و مقید به ارزش‌های انسانی را به‌خوبی برای ورود با سلامت و صلابت و آماده برای خدمت به فردای کشور مهیا نمود.

 نقش هنرمندانه مربیان تربیتی که باظرافت نگاه‌ها را متوجه قله‌های رفیع نمودند، امروز بیش از هر زمان آشکارشده است. به‌کارگیری ابزار هنر جهت شورآفرینی و انتقال مفاهیم انقلاب، بهره‌گیری از نمایش به‌منظور بازسازی فضای معنوی و احیای بخشی از فرهنگ غنی، برگزاری اردوها به‌عنوان یک راهکار مثبت و مؤثر در پرورش استعدادها و تقویت روح جمعی و شناخت روحیه نوجوانان و آشنایی با طبیعت و گردش بر روی کره خاکی که مورد تأکید خداوند سبحان بوده است، تأثیر عمیق و سازنده‌ای داشت و این تأثیرگذاری و نقش بارز و ارزشمند مربیان پرورشی را در شهادت ۲۳۰۰۰ شهید دانش‌آموز که از درون مدرسه به جبهه‌ها شتافتند می‌توان دریافت و دانست که دانش‌آموزان پرورش‌یافته در این مکتب، برای توقف تانک‌های متجاوزان به خاک کشور اسلامی نارنجک به خود بستند و برای مقابله با دشمن به زیر تانک رفتند و به وصال خویش نائل گردیدند تا درس معرفت را به دیگران یاد دهند. انشاءالله شهدای دانش‌آموز عوامل و برنامه‌ریزان این نهاد را شفاعت خواهند نمود.

#  نقش امور تربیتی بعد از دفاع مقدس

پس از دفاع مقدس، ورود شکوهمند جوانان و نوجوانان به عرصه‌های بین‌المللی و رقابت‌های دلاورانه در مسابقات مختلف و کسب افتخارات و عناوین متعدد و اخذ نشان‌های زرین با نیل به خودباوری، تکمیل و استمرار مسیر تربیتی ترسیم‌شده از سوی شهیدان بود که موردتوجه قرار گرفت و شیوه‌های مناسب در این راستا برای تقویت باورها و نمایش اقتدار فکری و توانمندی جوانان به کار گرفته شد که مربیان امور تربیتی توانستند بار دیگر با موفقیت این مسیر را هموار سازند.

 مجاهدت خالصانه، بی‌ریا، از سر اعتقاد، تعامل پایدار با دوستان انقلاب، تقابل با دشمنان و بدخواهان و دین‌ستیزان بداخلاق، بصیرت قوی و شجاعت مبتنی بر عقلانیت، از خصیصه‌های بارز مربیانی است که به همین دلیل مورد بیشترین حمله و بی‌مهری از سوی بیگانگان ضد فرهنگ و دین‌ستیزان قرار می‌گیرند و در این راه رنج‌های بسیار دیده‌اند و خون‌دل‌های بسیار خورده‌اند و آنجا که می‌گویند به قطاری که متوقف مانده است سنگ پرتاب نمی‌کنند، شرح‌حال آنان است.

 اما آن فولادهای آبدیده با صبوری و اتخاذ شیوه نبوی و سعه‌صدر، دوست و یاور همیشگی دانش‌آموزان ماندند و برای آن‌ها همین کفایت می‌کند که دستی برای دعا به‌سوی آسمان از سوی نوجوانی بلند شود و زبانی به نفرین گشوده نگردد و پیشانی نوجوانی برای سجده به زمین ساییده شود.  با درک مسئولان از این رسالت مهم و به‌منظور قدردانی از زحمات مربیان و حفظ دستاوردهای انقلاب و پاسداشت ارزش‌های مولود انقلاب و تکریم یادگار شهیدان در ترویج نگاه منطقی به مقوله تربیت دینی و اهمیت مضاعف آن برای اخلاقی نمودن رفتار اجتماعی، در تقویم جمهوری اسلامی هشتم اسفند سالروز تأسیس امور تربیتی به نام روز تربیت اسلامی نام‌گذاری شده است.

 متأسفانه تغییر و تحولات متعدد ناشی از فضای سیاست زده در حوزه پرورشی، به‌جای تقدیر و تقویت این نهاد به تضعیف آن انجامید و علی‌رغم حضور مقدس درصحنه‌های انقلاب، با نامهربانی مواجه شده است و بعضاً مجریان علاوه بر عدم توانمندی در اجرای برنامه‌های محوله، از اهلیت لازم برای تحقق اهداف این نهاد برخوردار نبوده‌اند.

 ضمن اینکه امکانات موردنیاز متناسب با فعالیت‌ها، ظرفیت و کارایی برای شکوفایی استعدادهای دانش‌آموزان کنونی نیست و باید در رفتار سال‌های اخیر در برخورد با امور تربیتی تجدیدنظر کرد و با طراحی مناسب توسط کارشناسان این حوزه، فضا را برای فعالیت بهتر بازنمود و به‌روز شد.

 نهاد امور تربیتی از بدو تأسیس، بنا بر ضرورت و با توجه به شناخت تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان و نیازسنجی علمی، زایش‌های تشکیلاتی داشته است تا بتواند به مطالبات جامعه مخاطب پاسخی شایسته دهد که این تشکل‌ها و نهادهای درونی توانستند بخش اعظمی از مشکلات و مأموریت‌های دستگاه تعلیم و تربیت را به دوش گیرند و با صرف کمترین هزینه‌ها، کارها را به انجام برسانند و در هزینه‌ها و اعتبارات صرفه‌جویی کنند و مشارکت جمعی را فراهم آورند.

 فعالیت‌های آموزش‌وپرورش درزمینهٔ تربیت دینی در مدارس از جمله آموزش قرآن، گسترش فرهنگ نماز، گسترش فرهنگ کتاب‌خوانی، گسترش فرهنگ ایثار، آشنایی با ولایت، تقویت خلاقیت و اصلاح کتاب‌های درسی در حوزه پرورشی انجام می‌گیرد که می‌توان این امور را اصلی‌ترین مأموریت دستگاه آموزش‌وپرورش دانست که ضرورتاً نگاه عمیق‌تر و بیشتری به این حوزه را طلب می‌کند.

 ضمن گرامیداشت سالروز تأسیس نهاد ارزشمند امور تربیتی، به همه زحمتکشان این عرصه حساس و فردا ساز خدا قوت و خسته نباشید می‌گویم.

# هفته احسان و نیکوکاری

از چهاردهم تا بیست و یکم اسفندماه به‌منظور جذب کمک‌ها و هدایای مردم به خانواده‌های محروم و نیازمند برگزار می‌شود که جمع‌آوری و توزیع آن توسط کمیته امداد صورت می‌گیرد.

 جشن نیکوکاری صرف‌نظر از هدایایی که طی آن جمع‌آوری می‌شود به لحاظ معنوی، اجتماعی و فرهنگی دارای کارکردهای ویژه‌ای است که از جمله آن‌ها می‌توان به گسترش و تقویت هرچه بیشتر فرهنگ احسان و انفاق، کمک به همنوع و انسجام اجتماعی اشاره کرد. نوع‌دوستی و کمک به همنوع از دیدگاه آیین الهی و جهانی اسلام امری ذاتی و فطری است. درواقع خداوند متعال تمایل به کمک کردن به همنوعان را به‌صورت یک شناخت در قلب هر بشری الهام کرده است. بدین مفهوم که عمل نیکوکاری به‌صورت نور الهی در قلب و سرشت انسان وجود دارد.

#  مناسبت 11 اسفندماه

حفظ تندرستی و رهایی از رنج و بیماری یکی از مهم‌ترین مسائلی است که همواره در طول تاریخ، فکر بشر را به خود مشغول نموده است با پیشرفت علم و دانش و شناختن عوامل بیماری‌زا و تأثیر آن بر تندرستی، انسان آموخت که باید در محیط پاکیزه و سالم زندگی کند و ازآنچه سلامتی او را به خطر می‌اندازد اجتناب نماید.

در این میان آنچه بیش از همه در برقراری و حفظ این امنیت و آسایش خاطر رخ می‌نمایاند، فعالیت مجدانه کارشناسان بهداشت محیط می‌باشد که با تلاشی شبانه‌روزی در ارتقاء امر بهداشت و حفظ سلامت آحاد جامعه می‌کوشند.

در این راستا وزارت بهداشت 11 اسفند را روز ملی بهداشت محیط نام‌گذاری نموده است تا بتواند از زحمات و تلاش‌های کارکنان بهداشت محیط که در امر سلامت جامعه نقش اساسی و پایه را به عهده‌دارند قدردانی نماید.

# دعا

خدایا به این ملت، به نسل جوان توفیق ادامه راه شهدا و استمرار این انقلاب اسلامی را عنایت بفرما. کشور ما را از آفت‌ها و خطرها و تفرقه‌ها به دور بدار. خدایا دشمنان اسلام را سرکوب بفرما. گام‌های امت اسلام را در تمام نقاط عالم اسلام ثابت بدار. خدایا خطرهای مادی و معنوی و آفت‌ها را از انقلاب اسلامی دور بدار. سلام‌های خالصانه این جمع مشتاق را در این پایگاه وحدت و معنویت به محضر رسول گرامی (ص)، امام جعفر صادق (ع) و حضرت بقیّة اللّه الاعظم ابلاغ بفرما.

**نسئلک اللهم و ندعوک باسمک العظیم الاعظم الأعزّ الأجلّ الاکرم یا الله ... یا ارحم الرحمین. اللهم ارزقنی توفیق الطاعة و بعدالمعصیة و صدق النیّة و عرفان الحرمة؛ اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الکفر واهله.**

1. **. سوره اعراف، آیه 43.** [↑](#footnote-ref-1)
2. . حشر آیه 18. [↑](#footnote-ref-2)
3. . سوره کوثر. [↑](#footnote-ref-3)
4. . توبه آیه 119. [↑](#footnote-ref-4)